

یادداشت

جامعه به اسطوره نیاز دارد

سیدمحمد بهشتی

مدیر اسبق بنیاد فارابی

صحنه این پا و آن پا کردن پیشخدمت جوان هتل آتلانتیک، تا آخر فیلم در ذهن مان می ماند؛ او چه تقاضایی از تختی داشت که شرم می کرد بگوید. غلامرضا تختی پنجم شهریور ۱۳۰۹ در محله خانی آباد تهران در خانواده‌ای قدیمی و آبرومند زاده شد. شاگرد پهلوان سیدعلی حق شناس، صوفی و پهلوان اول تهران بود، همسو که پاکبازانه همه میراث پدری را به بی بضاعتان بخشید.

تختی در چنین سیاقی پرورش یافته بود که در آن گشتی فقط اسباب سرگرمی نبود بلکه پشت گرم به منش پهلوانی بود. فیلم تلاش کرده آرام زاده شدن تختی دیگری را از آن پسرک کوچپس کوجهای خاکی به نمایش بگذارد. تمرین های دشوار، عرق ریختن ها، دردکشیدن ها و تحمل شکست ها به تدریج از «شخص تختی»، «شخصیت تختی» را می سازد.

یک مدال، دو مدال، یک مسابقه، دو مسابقه، افتخار بر افتخار افزوده می شد. اما فیلم نمی تواند بگوید چه شد که از «شخصیت تختی»، «اسطوره تختی» زاییده شد. چه شد که آن دیگرانی که به اندازه تختی مدال و نشان داشتند، تختی نشدند. نه آنکه این فیلم نتواند، هیچ کم نمی تواند و اصلا نمی داند. تبدیل شخص به شخصیت در اراده فرد است، اما پیدایش اسطوره نه. او خود اراده نکرده بود که تختی شود؛ نه واضع اسطوره پهلوانی بود و نه اصلا آگاه به ذات این گردبسی.

جامعه برای ادامه حیات نیاز به اسطوره دارد. اسطوره ها شخصیت هایی هستند که مقبول مردم واقع شده اند و زنگارها و معایبشان زوده و تبدیل به آینه شده اند. هر ملت در قاب این آینه هاست که موفق می شود چهره حقیقی ولی مغفول خود را تماشا کند؛ آن خود دوست داشتنی اش را، آن خود پیروزش را. به این معنی اسطوره ها مهم ترین ثروت جامعه اند؛ خصوصا در بزنگاه های سخت، به او امید بقا می دهند و افقی زیبا پیش چشمش می کشانند. آنچه در اسطوره سازی به کمک مردمان می آید، قصه است، اما این به معنی خیال بافی نیست؛ «شخصی» باید واقعا باشد که «اسطوره ای» زاده شود. گلی باید باشد که گلانی گرفته شود. اما رستم دستان الزاما همان راهی که رستم سیستان رفته نمی رود. اصلا شخص، شخص است. با اسطوره اش را ندارد. زندگی شخص، شخصی است. شخص ممکن است هزار ایراد داشته باشد، عصبانی شود و اشتباه کند. حیات اسطوره اما شخصی نیست؛ اسطوره بار آمل یک ملت را به دوش می کشد.

روایت فیلم از نیمه هایش دیگر فقط جریان گشتی تختی و قیایش نیست، کشتی ای دائمی درون تختی برپا بود. شخص تختی تحمل بار این اسطوره را نداشت اما هر قدر سعی می کرد، نمی توانست پشت تختی اسطوره را به خاک بمالد. اسطوره تختی نیز به زندان تنگ محدودیت های شخصی تن نمی داد. فیلم چه خوب خستگی و درماندگی او را به تصویر می کشد؛ یک نفر مگر چقدر می تواند با خود در نزاع باشد.

حمل چنین آینه ستrgی از تحمل شخص، با تنگناهای این عالم، خارج است؛ حتی اگر تختی باشد. بی علت نیست که آرش و رستم و پوریای ولی، همگی پس از مرگ شان اسطوره شدند، وقتی که دیگر از پندهای حیات شخصی رهیده بودند. اما وای به حال تختی که در حین حیات اسطوره شد. زیرا که خود شخص بیش از هرکس دیگری مستعد شکستن آینه ای است که جامعه از او ساخته، اصلا فقط اوست که می تواند این آینه را بشکند. چه اسطوره هایی که در نطفه ماندند و هرگز متولد نشدند تنها از آن رو که از حد تحمل شخص خارج بود. حفظ حرمت این آینه یگانه تمنا ی تختی بود.

آن دختر سسکانی های نخست، خواسته ای داشت؛ او یتیم بود و می ترسید بی کس و کاری اش، مایه زخم زبان خانواده خواستگارش باشد. دلش می خواست حضور تختی به عنوان برادر بزرگ تر در مراسم خواستگاری، ضامن سرگرفتن این وصلت شود. گویی تقاضای او خواسته ناگفته یک ملت از اسطوره اش است. ملتی که از جهان پهلوانش پول نمی خواهد، زدوبند نمی خواهد، عکس یادگاری نمی خواهد؛ کس و کار می خواهد؛ جامعه قد رشید پهلوانی را می خواهد که در هنگامه بلا(جنگ، سیل یا زلزله)، امید ساختن سقفی نورا در او زنده کند. دختر شرم کرد تقاضایش را به تختی بگوید. تختی در راست و جام زهر را سر کشید. این درخواست شد تمنا ی ناگفته همه ما تا دهها و سده های دیگر که شاید تختی ای دیگر زاده شود. چاره دیگری نبود؛ شخص تختی تشک زندگی را داوطلبانه به نفع اسطوره اش ترک کرد. او ترسید که نکند ادامه زندگی شخصی اش، با آن همه محدودیتی که برایش ساخته بودند، اسطوره اش را مخدوش کند.

ساخته شدن این فیلم، بازگویی اسطوره وزدودن زنگارهای این آینه، نشانه احساس مسئولیت اجتماعی راوی آن است. این میدانی نیست که کسی بتواند به خطا بر هدف تیری بزند. آزمون دشواری است. کسی که عزم روایت تختی را کرده، قدم در راه اسلافلش گذاشته؛ یعنی فردوسی و حماسه سراسرایی چون او. کسانی که با اندیشه بلند و قلم توانایشان دست به کار عصرای شدند تا وقتی که گل رفت و گلستانی نماند، گلایی باشد که عطر خوشش، گل را در یاد ما زنده نگه دارد.



سیدمهدی موسوی تبار

روزنامه نگار

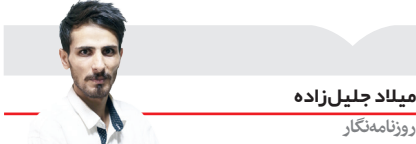
مدیرعامل فارابی و مدیر جشنواره فیلم فجر از سال ۶۲ تا ۷۳ و عضو هیات موسس خانه سینما حتما یکی از مناسب ترین گزینه ها برای بررسی وضعیت امروز سینمای ایران است. وقتی هنوز درصد بالایی از موفق ترین و ماندگارترین فیلم های تاریخ سینمای ایران در شناسنامه اش دیده می شود یعنی کارنامه بهشتی قابل دفاع بوده است. ابتدال در فیلم های کنونی را شاید او بهتر از بقیه متوجه می شود و البته افسوس هم می خورد. بهشتی با کنایه از تلاش هایی می گوید که در سال های اخیر بخش غیرشریف و غیرمسئول را در متن اصلی جریان سینمایی قرار داده است. بوی در این خصوص هم کلام شدیم. اومی گوید از فیلم های اکران شده در نوروز امسال، چیزی ندیده است و گرفتاری را دلیل نرفتن به سینما عنوان می کند.

۱۱۱

احتمالا فیلم هایی که در این سال ها اکران می شود را دیده اید، نظر شما در این باره چیست؟

بالاخره سلیقه مردم هم باید مدیریت شود.

برخی معتقدند آثار سینمایی، سلیقه مردم



میلاد جلیل زاده

روزنامه نگار

«رحمان ۱۴۰۰» یک شوک عجیب به سینمای ایران بود. این فیلم با رکیک ترین شوخی های جنسی که طی ۴۰ سال گذشته در سینمای ایران بی سابقه بودند، سعی در خنداندن تماشاگرانش داشت و به عبارتی با کون و عقده ای فرض کردن مخاطب سطح پایین ترین فاکتورها برای جذب او در پیشخوان قرار می داد. فیلم منوچهر هادی و علی سرتیپی رنگ خطر ابتدال را در سینمای ایران به صدا درآورد و بسیاری از اهالی رسانه و فرهنگ را به تکلیو انداخت تا مقابل این آمارسازی ها و تلاش هابرای پایین آوردن سطح سلیقه مخاطبان و رساندن آن به سطح توانایی فیلمسازانی مثل منوچهر هادی و تهیه کنندگانی چون علی سرتیپی، تدبیری اندیشیده شود. روزنامه فرهیختگان در این خصوص سه پرونده مفصل تهیه کرد. اولین پرونده به چینش اکران های نوروزی می پرداخت و مشخص می کرد که تعداد سالن های این فیلم به تنهایی برابر با چهار فیلم دیگر اکران نوروزی است. همین استلال کافی بود تا کسانی که فروش «رحمان ۱۴۰۰» را شناسانه ای از افت سطح عمومی فرهنگ در جامعه می دانستند، متوجه شوند که چنین چیزی صحت ندارد و اتفاقی که افتاده کنیوشدن نازل ترین مخاطبان سینما توسط مافیای اکران و منفعل شدن مخاطبان جدی تر و فهمیم تر است. پرونده دوم «فرهیختگان»، «رحمان ۱۴۰۰» را به عنوان فیلم علی سرتیپی و نه فیلمی از منوچهر هادی بررسی کرده و آمارسازی های جامعه مافیای اکران سینمای ایران که می خواستند این فیلم بر خود را از حمایت اکثریت مردم قلمداد شود را زیر سوال برد و به بررسی ساختارهای ضعیف و غیراخلاقی اثر پرداخت. پرونده سوم «فرهیختگان» به نهادهای نظارتی رو کرد و از آنها پرسید که چرا این فیلم تولید شده؟ چرا مجوز گرفته؟ چرا بهترین فصل اکران به آن داده شده؟ چرا بیشترین تعداد

فرهنگ

گفت وگویی «فرهیختگان» با سیدمحمد بهشتی درباره سینمای امروز

بخش غیرشریف به متن اصلی سینما آمده است



فیلم هایی که واجد ارزش فرهنگی و هنری هستند، عمر طولانی دارند و آثاری که مبتذل هستند عمری همانند جرقه دارند، درخشش کوتاهی دارند و بعد فراموش می شوند و در جامعه رسوب نمی کنند. فیلم «خانه دوست کجاست؟» چقدر تا کنون فروش کرده است؟ چند نفر این فیلم را دیده اند؟ مسلما از پرفروش ترین فیلم هایی است که در تاریخ جهان می شناسیم، بیشتر نباشد کمتر نیست.

این وضعیت را ادامه دار می دانید یا موقت است؟

همه اینها شامل این مصداق است. یعنی فیلم های واجد ارزش، عمر طولانی دارند و بعد از ۳۰ سال همچنان دیدنی هستند.

لازم را اتخاذ می کنیم.

بلافاصله بعد از این اظهارات محمد رضا فرجی، همه منتظر واکنش علی سرتیپی بودند که او هم چنانکه توقع می رفت پاسخ داد: «نسخه فعلی فیلم دقیقا همان نسخه مجوز گرفته از سازمان سینمایی است؛ ما هم طبق پروانه نمایشی که داریم همان نسخه را به اکران درآورده ایم.» سرتیپی افزود: «اصلا مگر می شود چنین کاری کرد؟ هیچ گونه تفاوتی در نسخه مجوز گرفته فیلم و اکران شده آن ابا وجود ندارد. اگر سازمان سینمایی واقعا چنین ادعایی کرده که مانسخره دیگری را روی پرده فرستاده ایم، من آن را رد می کنم و نمی پذیرم.» به نظر می رسید سوال علی سرتیپی آنجا که می پرسید «اصلا مگر می شود چنین کاری کرد؟» پرسشی جدی باشد. او و هیچ کس دیگر قطعا نمی تواند بدون مجوز فیلمی را نزدیک به یک ماه در پرتعدادترین سالن های نمایش اکران کنند و به چنین رقمی از سود مالی برسند. اما قضیه در همینجا متوقف نماند. ساعاتی بعد از صحبت های مدیرکل سینمای حرفه ای وزارت ارشاد مبنی بر اینکه نسخه بدون مجوز «رحمان ۱۴۰۰» روی پرده ها بوده، بلیت فروشی آنالین فیلم متوقف شد. منوچهر هادی، کارگردان این فیلم هم یک پست اینستاگرامی منتشر کرد و در آن با کنایه به رسانه ای که باعث جلب توجه مسئولان نسبت به این فیلم شده بود، گفت: «تبریک به دوستانی که منتظر توقیف «رحمان ۱۴۰۰» بودند.» و در بخش دیگری از متنش ادعا کرد که «تمام سینماهای کشور نسخه اصلاح شده را روی پرده اکران می کردند و تازه سینماهای حوزه هنری نسخه اصلاح شده تر را.»

البته هنوز مشخص نیست که «رحمان ۱۴۰۰» در صورت اقدام تولید کنندگان آن به اصلاح موارد بحث برانگیز، چطور خواهد توانست انسجام ساختاری اش را حفظ کند؛ چه اینکه حتی موضوع فیلم هم موردی غیراخلاقی و جنسی است و با حذف صحنه های رکیک، چیزی از ماجرا و روایت فیلم باقی نخواهد ماند.

به نظر من یکی از وظایف سینما، داشتن مسئولیت ملی است. اخیرا فیلم تختی از این نمونه فیلم هاست. اینها اتفاقات خوبی است که در سینمای ما رخ می دهد ولی متأسفانه، این روزها سینمای جدی و مسئول و واجد ارزش در حاشیه قرار گرفته و سینمایی که صرفا خواهد سرگرمی ایجاد کند، در متن ماجرا است و گویا برخی در این سال ها تلاش زیادی کردند تا جایی متن و حاشیه عوض شود.

کسانی که زحمت کشیدند ظاهرا در تمام حوزه ها زحمت کشیدند و درصد قابل توجهی از سالن های سینمایی در اختیار فیلم هایی است که صرفا برای سرگرمی است.

سوداگری، حکمرانی می کند. وقتی که همه چیز به ابتدال و کالاشدن تنزل یابد، سوداگری میدان ساخت وساز پیدا می کند.

وقتی به تعداد سالن های اکران فیلم های فاخر و همین نمونه تختی که گفتید، نگاه می کنیم، شاهد جفای بیشتری به سینمای ملی هستیم. بروز چنین شرایطی از کجا شکل می گیرد؟

این هم دردهای حاشیه است. قسمت غیرشریف سینما در متن قرار گرفته ولی به یاد داشته باشیم حاشیه نشینی یک سری عوارضی هم دارد. عوارضش اینکه فیلمی که در حاشیه قرار گیرد،



متعددی را در پی خواهد داشت؛ چرا که اعطا کنندگان مجوز به این فیلم، کسانی بودند که خودشان حاضر نمی شدند همراه با خانواده آن را تماشا کنند. چند ساعت بعد از انتشار این گزارش محمد رضا فرجی مدیرکل سینمای حرفه ای سازمان سینمایی گفت: «نسخه در حال اکران این فیلم با نسخه ای که برای مجوز اقدام کرده بود، متفاوت است. سازمان سینمایی بعد از ارائه مجوز به هر فیلم برای تطابق نسخه مجوزدار و آنچه به اکران درمی آید، بازرسانی را به سینما می فرستد و بر مبنای گزارش این بازرسان تصمیم گیری می کند.» وی افزود: «در مورد فیلم «رحمان ۱۴۰۰» این اتفاق افتاده است و گویا نسخه دارای مجوز این فیلم با نسخه در حال اکران متفاوت بود که برای آن تصمیم

سالن نمایش را دارد و ... و در این خصوص با سه نفر از اعضای شورای پروانه نمایش گفت وگو کردیم و پرسیدیم که آیا بهتر نیست به سیاق دوره های مدیریتی گذشته، رده بندی کیفی فیلم ها در دستور کار این شورا قرار بگیرد و فیلم هایی که ضعیف و مبتذل هستند، لااقل نتوانند در چینش اکران بقیه فیلم ها را به مجبور و مظلوم واقع کنند که اگر فیلم خوبی هم روی پرده بود، چندان به چشم کسی نیاید و میدان یک سره در اختیار بساز بفروش های سینما قرار بگیرد؟ اعضای شورای پروانه نمایش در گفت وگو با «فرهیختگان»، همگی در برابر این پرسش که آیا حاضرند به همراه خانواده شان این فیلم را ببینند یا نه، جواب منفی دادند. واضح بود که انتشار این گزارش واکنش های

حضور فاطمیون افغانستانی در مناطق سیل زده

پس از وقوع سیل در خوزستان، سردار قاسم سلیمانی در برخی از مناطق سیل زده این استان حضور یافت و در سخنانش با دعوت از مشتاقان مدافع حرم به خوزستان عنوان کرد که کمک به حادثه دیدگان سیل اخیر یک نوع دفاع از حرم است. در پی سخنان فرمانده محبوب مدافعان حرم، بسیجیان و رزمندگان فاطمیون با برپایی یک اردوی جهادی عازم کمک رسانی به سیل زدگان استان لرستان شدند. نخستین گروه از رزمندگان و بسیجیان پایگاه مقاومت بسیج لشکر فاطمیون چهارشنبه، ۲۱ فروردین ماه از مشهد و تهران عازم شهرستان پلدختر شدند. این نیروهای جهادی، در نخستین روز حضور خود در مناطق سیل زده به امداد رسانی سه روستا پرداختند. نیروهای فاطمیون در روستاهای چم گرداب، چم مهر و بابازید مستقر شدند و پس از خارج کردن لوازم منزل سیل زدگان، گل و لای حاصل از سیلاب را از منازل آنها خارج کردند. ساخت سکوپرای قایق های امدادی، پاکسازی کامل چندین منزل از آب گرفتگی و ساخت دوسرویس بهداشتی برای سیل زدگان از جمله فعالیت های آنان بود. نیروهای فاطمیون به چهار گروه تقسیم شدند؛ گروه اول داخل شهر پلدختر به شست و شوی منازل پاکسازی شده پرداختند. گروه دوم به روستایی چم گردان رفتند و به ساخت وساز پرداختند. این جهادگران اقدام به ساخت ضروریاتی از قبیل حمام و سرویس بهداشتی برای مناطق چادر نشین کردند. گروه سوم در روستای چم مهر مستقر شده و گل و لای چند منزل را خارج کردند. چهارمین گروه از نیروهای فاطمیون به روستای بابازید رفتند و اقدام به خروج گل ولای منازل کردند.

جشنواره جهانی فیلم فجر «سفیر مهر بانی» هلال احمر شد

تمامی عواید حاصل از فروش بلیت و محصولات فرهنگی سی و هفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر از طریق هلال احمر در اختیار هموطنان سیل زده در نقاط مختلف کشور قرار می گیرد. کیوان کثیریان، مدیر رسانه و ارتباطات سی و هفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر درباره اقدام عملی جشنواره برای کمک به سیل زدگان توضیح داد: «هنگامی که این حوادث رخ داد، دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر تصمیم گرفت که تمامی عواید بلیت فروشی این رویداد را از طریق هلال احمر به هموطنان سیل زده اهدا کند.» وی در پایان گفت: «همچنین مقرر شد که عواید حاصل از فروش هدایای جشنواره نیز برای تأمین نیازهای هموطنان سیل زده در اختیار هلال احمر قرار گیرد.» همچنین اسماعیل رمضانی، مدیرکل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه این جمعیت استفاده از بسترهای فرهنگی و هنری برای ترویج مفاهیم مورد نظر، انجام ماموریت ها و تقویت اعتماد مردمی به این نهاد را در دستور کار دارد، گفت: «با توجه به ظرفیت گسترده داخلی و بین المللی جشنواره جهانی فیلم فجر در تعامل با عوامل برگزاری این جشنواره قرار شد در یک فضای همکاری دوسویه، اقدامات مفیدی را ساماندهی کند که تخصیص عواید بلیت فروشی جشنواره به هموطنان سیل زده، یکی از آنهاست.» سی و هفتمین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر از ۱۸ تا ۲۶ آوریل ۲۰۱۹ (۲۹ فروردین تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸) به دبیری رضا میرکریمی در تهران برگزار می شود.

چارسو

۲۰ کشور میهمان نمایشگاه کتاب تهران

احمد شاکری، مدیر بخش بین المللی نمایشگاه کتاب تهران در گفت وگو با «مهر» با اشاره به حضور بیش از ۲۰ کشور در این دوره از نمایشگاه کتاب تهران اعلام کرد: «در ساختار تازه نمایشگاه کتاب تهران، کمیته امور بین الملل تبدیل به بخش شد و در راستای چابک سازی نمایشگاه تصمیم گرفته شد که این بخش به شکلی چابک تر و در ساختاری تازه و کوچک تر به فعالیت بپردازد. در این ساختار تازه در چهار شکل میهمانان بورسیه، بازار جهانی کتاب، نشست ها و غرفه های میهمانان خارجی نمایشگاه به فعالیت های بخش بین المللی نمایشگاه تعریف شد که طی آن جدا از ۲۰ کشور نمایندگان از موسسات نشر ۱۰ کشور دنیا نیز در بخش ناشران خارجی حضور پیدا می کنند.»

وی با اشاره به دعوت از مدیران نمایشگاه های کتاب فرانکفورت، پاریس، بغداد، مسکو و بولونیا برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران گفت: «درباره حضور مدیران نمایشگاه کتاب فرانکفورت در این رویداد منتظر پاسخ ایشان هستیم و مدیران نمایشگاه کتاب بولونیا نیز به دلیل تغییر زمان نمایشگاه در سال جاری و حضورشان در نمایشگاه کتاب آرژانتین نمی توانند در ایران حضور داشته باشند و کشور عراق نیز در سطح مدیر نمایشگاه برای حضور در این رویداد اعلام آمادگی کرده است. همچنین قرارداد تبادل غرفه میان نمایشگاه کتاب تهران و آذربایجان نیز در تهران امضا خواهد شد و روسیه نیز در غرفه ای ۴۰ متری حضور خواهد داشت.»